



علوم تجربی پایه ہفتم

(دورہ اول متوسطہ)





علوم تجربی

پایله هفتم

(دوره اول متوسطه)

www.ketab.ir

مشخصات کتاب

سرشناسه: عبدالعالی، علی، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور: علوم هفتم دانونین
/ مؤلف علی عبدالعالی؛ ویراستار حامد خادمی
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه علمی رزمندگان، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری: ۱۵۳ ص: ۲۹×۲۲ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۲۰۹۱-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبای مختصر
شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۱۰۷۵۰

● مدیر مسؤول: مرتضی فاطمی‌نژاد

● طراح و سرپرست مؤلفین: علی عبدالعالی

● گروه ایده‌پردازی و خلاقیت: علی عبدالعالی، حامد خادمی، مصطفی امیرحائری

● کمیل سوهانی، حمید فدایی، امیرحسین اخوین

● خشایار هنرآمیز فهیم، سیدحسام‌الدین نوربخش

● ناشر: مؤسسه علمی آموزشی رزمندگان اسلام

● مدیریت پروژه: حامد خادمی، سیدحسام‌الدین نوربخش

● نوبت چاپ: اول

● شمارگان: ۲۵۰۰

● مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب اسلامی - روبه‌روی سینما بهمن

● ابتدای خیابان منیری جاوید - پلاک ۷۸

● تلفن: ۵۸۷۹۵-۶۶۴۶۸۰۵۸

● قیمت: ۲۳۰۰۰۰ تومان

پیش گفتار مؤلف

گل و لای شدند و دست چپش
چنان ضربه خورد که از درد به خودش
می پیچید.

همچنان که کنار جاده نشسته بود؛ نور
بالای یک ماشین غول پیکر چشمانش را زد.
نزدیک شد؛ لاستیک های بزرگ و پهنش در
همان چاله افتاد و تمام هیکلش را گلی تر از قبل
کرد و در حالی که صدای قهقهه از داخل ماشین می آمد،
عبور کرد و رفت.

حالا او بدون پای راست و با دست چپ پر از درد و
موتوری که در گل و لای خاموش شده و صورت و
چشمانی پر از گل و باران و اشک، گوشه ای جاده ای تاریک
پر از دست انداز نشسته بود و نمی دانست چه باید بکند...
ناگهان صدای آشنای دوستان همیشه همراهش، جان
خسته اش را گرم کرد و نور وجودشان جاده ای تاریک را
روشن...

یکی شان دست او شد، دیگری پایش و آن یکی فروغ
چشم هایش...

وسایل آزمایش را یکی یکی از خورجین درآوردند و به
دست او دادند و چنان همه با هم «بسم الله» گفتند که
معلم لبریز از شور و شوق و انگیزه شد و شروع کرد به
درس دادن:

«بینید بچه ها! وقتی KI یا همون پتاسیم یدید رو
می ریزیم روی H_2O یا همون آب اکسیژنه، سرعت
واکنش به مراتب بالاتر می ره؛ این جا KI نقش کاتالیزگر
رو بازی می کنه... خب بجنبید؛ با هم می شمیریم: یک،
دو، سه... هشت، نه، ده!» تمام عرض جاده را کف رنگی
پر کرده است. صدای جیغ و هورا و شادی بچه ها، درد
دستش را خفیف می کند.

صدای زوزه ی باد از درزهای پنجره ی بزرگ و چوبی
اتاقش عبور می کرد. پرده را کنار زد؛ رعدوبرق و تگرگ
و باد شدید دست به دست هم داده بودند تا او در خانه
بماند؛ اما عزمش را جزم کرده بود که برود؛ بارانی یادگاری
از معلم محبوبش را پوشید؛ این طرف و آن طرف خانه را
گشت تا پای راستش را پیدا کند؛ اما گویی زمین دهن باز
کرده بود و پا را بلعیده بود!

دخترانش التماس می کردند که در چنین طوفانی بدون
پا بیرون نرود، اما پدر تصمیمش را گرفته بود؛ اهل خانه
را بوسید و تمام حجم خورجین موتورش را پر از وسایل
آزمایش کرد و بعد از ده بیست بار هندل زدن با پای
چپش، بالاخره موتورش روشن شد و به راه افتاد.
تگرگ با شدت سینوسی با اشک های مداومش ترکیب
می شد و در حالی که هر از گاهی چرخ های موتورش
در چاله ای می افتادند، به یاد معلم محبوبش، این شعر
شاهکار دیوان شمس مولانا را فریاد می زد:

کجایید ای شهیدان خدایی بلاجویان دشت کربلایی
کجایید ای سبک روحان عاشق پرنده تر ز مرغان هوایی
چیزی به روستای مقصدش نمانده بود که ناگهان موتور
در چاله ای افتاد و چپ کرد. صورت و چشمانش پر از

علوم تجربی چیست؟

نقشه راه
دانوین

ورود به دنیای
شگفت انگیز دانوین



۱

تجربه و تفکر

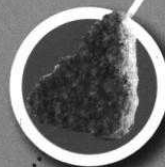
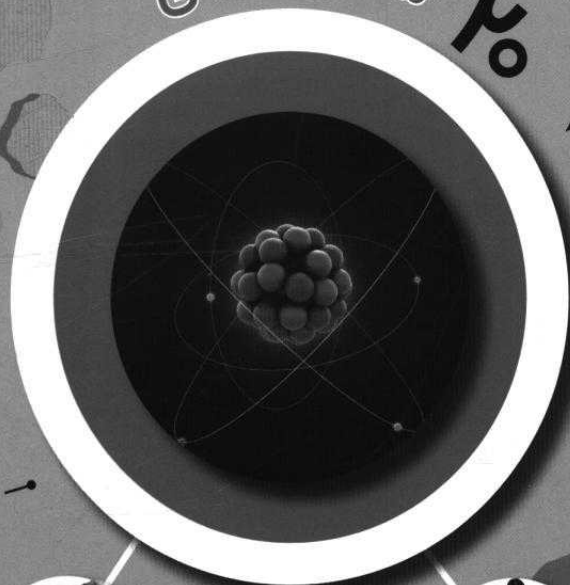


۲

اندازه گیری

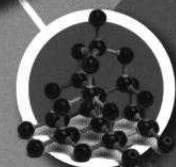
شیمی

۲۰



۴

مواد پیرامون ما



۳

الفبای آنها

زمین شناسی

۳۶

